تحليل پیشنهاد ساخت «بنا» و «مسجد» بر اساسب کهف از دیدگاه فرقی‌های
(و ارتباط آن با مسئله ساخت قبور صالحان و مسئله زیارت)*

چکیده
در عصر جدید، یزی‌ها ویژه‌های تطبیقی بین مسجدی عمداً در حوزه شبیعی با
هدف بررسی دیدگاه‌های فرقی‌های متولی نقد و ارزیابی آنها در حال انجام است. در
همین راستا، این نوشته به بررسی مسجدی یک سووه کهف که دیدگاه‌های
مفسران فرقی‌های و همچنین روایت‌هایی اهل بیت، صحابه و تابعان درباره آن
مفتاوت بوده، پرداخته است. به‌دنبال که نظرات مفسران صحابه و تابعان از
یک رویه و روایت اهل بیت از دیگر گزارش شده و سپس با تطبیق نظرات
مفسران شیعه و اهل سنت، آوری آنان ارزیابی گردده است. از مفسران، پیشنهاد
پیشنهاد ساخت مسجد بر اساسب کهف از
بررسی تطبیقی، حاصل شد که پیشنهاد ساخت مسجد بر اساسب کهف از
سوی بی‌پرداخته و مشارکان نبوده، بلکه از طرف موسیقی بوده است. از
دلالی که برای تایید این نظریه از آن بهره گرفته شد، می‌توان به سباق آن، سباق

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۳۰
۱. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (dr.zo.akhavan@gmail.com)
۲. دکتر علی قربانی (.Dataset.Mostafa) (majidjody@gmail.com)

www.SID.ir
مقدمه

قرآن که معجزه جاوید پیامبر و کلام نوربخش الهی است، سرشار از معافر عظیم بوده و دریایی است که ژرفای آن را نمی توان درک کرد. شگفتی های آن پایان نداشته و اسرار نهفته آن بی پایان و با تکرار، هیچ گاه گرد که گسترش یافته بر آن ننشسته و همیشه تازه می باشد. علم و دانشندگانی نیز که به تدریس و پژوهش درباره آن مشغول بوده اند، از آن سیری نداشته و تمام عمر خود را در راه فهم کلماتی و کشف مقاصد، مقام های، دستورات و حکم های صرف کرده اند تا آنها که تأثیر فراوانی بی شمار و ارزشمندی را از خود برای پیشیان به یادگار گذاشته و متناسب با هر عصری و وابسته به مقتضیات آن عصر از شیوه های متنوع بهره جسته‌اند. گاهی آیات قرآن را از اول تا آخر به نوبه خود بررسی نموده (تفسیر ترتیبی) و گاهی نیز موضوعی از موضوعات را انتخاب و درباره آن بحث کرده اند (تفسیر موضوعی). در عصر جدید نیز عده‌ای به این فکر افتادند تا با شیوهای جدید به کشف معنا و آیات بپردازند: بندید گونه که نظرات مختلفی ارائه شده راجع به آیات را کنار هم قرار داده و به بررسی آنها پرداخته‌اند تا موارد اختلاف و انتشار آنها را مشخص نمایند و در صورت امکان، برخی از نظرات را ترجیح دهند با نظری جدید ارائه نمایند. این طریق، شیوه موازن، تطابق و مقارن نامیده می شود. تفسیر تطبیقی در زبان فارسی، معنا و متفاوت از معنا تفسیر تطبیقی در زبان عربی دارد؛ در عربی به معنای اجرا، عملی و کاربردی کردند تعالیم قرآن است. اما در حوزه زبان و فرهنگ فارسی، مقصود از تفسیر تطبیقی، مطالعه‌ای مقایسه‌ای در حوزه تفسیر است (جلیلی و عسگری، ۱۳۹۳: ۷۵). این مقایسه می تواند در حوزه‌های متنوع از تفسیر آیات قرآن انگام گیرد. یکی از حوزه‌های تفسیر تطبیقی که
امروزه عمداً در فضایی شیعی رواج و رونق دارد. مطالعات بین مذهبی علیه بررسی تطبیقی موضوعات علمی قرآنی و تفسیری میان شیعه و اهل تسن است؛ موضوعاتی که غالباً میان این دو فرقه مورد اختلاف است و محققان شیعه در بیشتر مواقع با هدف دفاع از مذهب خود، نه اختلاف افکنی و ایجاد شکف میان امت اسلام، و گاه نیز با هدف تقرب میان مذاهب اسلامی آنها که اختلافات میان دو فرقه آشکار و ریشه‌دار است به آن می‌پردازند. در این حوزه از مباحث تطبیقی، در بخش تفسیر قرآن، تفسیر آیات بسیاری از قرآن مورد اختلاف شیعه و اهل تسن است و تا کنون دهها پژوهش و بحث تطبیقی در خصوص آیات مورد اشاره در طول تاریخ تفسیر انجام گرفته است.

یکی از آیات مورد بحث و اختلاف، آیه ۲۱ سوره کهف می‌باشد. دیدگاه مفسران شیعه و اهل تسن در تفسیر این آیه شرفه‌اند. متفاوت و مورد اختلاف است. از این رو در مقاله حاضر، برخی بررسی تطبیقی درباره آرا مفسران فرقی در تفسیر آیه یادشده تلاش می‌شود تا نقد و بررسی دیدگاه‌ها، تفسیری روشان از آیه ارائه و به سوال‌های زیر پاسخ داده شود:

1. اختلاف مفسران شیعه و اهل تسن در تفسیر آیه ۲۱ سوره کهف چیست؟ دلایل و مستندات مفسران فرقی کدام است؟
2. با توجه به آیه ۲۱ کهف، پیشنهاد ساخت مسجد بر اساس ایفای کهف از طرف مؤمنان مطرح شده است. یا از سوی بدعه قاضیان و مشرکان؟
3. کدام یک از دیدگاه‌های مفسران فرقی ترجیح دارد؟ دلایل این ترجیح چیست؟
4. آیه ۲۱ آیه ۲۱ سوره کهف را می‌توان دلیل بر مشروعیت و جوی سختی قیصر بر صالحان دانست؟

1. پیشینه تحقیق و اهمیت آن

در بازه‌ی موضوع، منبع مستقلی به طور خاص در قابلیت کتاب یک مقاله یافت نشد. البته در مبانی تفسیری، ذلیل آیه ۲۱ کهف مطالعه آمده، ولی هیچ یک به شکل مقابله‌ای و تطبیقی دیدگاه‌های فرقی و مستندات آنان را به بحث نشسته و نقد و بررسی نکرده است. گفتگویی است چند مقاله به گونه‌ای با این تحقیق ارتباط می‌یابند که به آنها اشاره
می‌شود:

1. «آیا یکه بر روی قبر جای است؟» (سیاسی، بی‌ن: ١٣٤٥). مؤلف برای اثبات مشروطه
بنا بر قبر پاکان، به ادله مختلی استناد کرده و دستاویزهای ویژگی‌هایی که در تخلیه قبور
را مورد نقد قرار داده است. این مقاله کوتاهی جوانی به‌نام پیداست، نظر به آیه مورد بحث و
اختلاف برداشت‌ها در آن نیست.

2. «بررسی قفقز مکانیک در کنار قبور معصومه میرازما (عندلی‌بی، ۱۳۹۵).
مؤلف به بررسی روابط حرفه قم‌نماز در اطراف قبور اهمیت می‌دهد. در این
نتیجه نشده است که بهتر است نماییزدگان رو به قبر نایسد. بلهک در سمت چپ با
راست آن قرار گیرد تا توقف غلو و پرستش قبر پیش نیابد. این مقاله چنان که از نامش
پیداست، روایت فقهی دارد که نمی‌توانی.

3. «زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مبنای مشروطه آن» (فهرستی و وردیت، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۴۶).
مؤلفان برای اثبات مشروطه زیارت قبور، به آیات ۶۴ سوره نساء، ۳۲ سوره
بیش و ۴۴ سوره به استناد کرده و به این ترتیب رسیده‌اند که زیارت قبر پیامبر
معصومان (عج). بزرگان دین و مؤمنان مشروطه است. آیاتی که در این مقاله مورد بحث
قرار گرفته، آیه مذکور سوره کهف نیست. نیز محور اصلی مقاله، موضوع «مشروطه
زیارت» است، و نوع نگاه آن به مسئله اساساً تفاوت دارد.

4. «ساختن بنای قبور در بررسی نگاه شیعه و سلفی» (یاوراسماعیل، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۳۴، ۱۲۶-۱۲۷).
در این پژوهش، روایتی از امام علی (ع) در کتاب مسلم نیشابوری مورد نقد قرار گرفته که
در آن، بنای بر قبور حرام شده شده است و سلفی به آن استناد کرده‌اند. مقاله بر
اساس آیات قرون، سیره معصومان (عج) و اعمال مساجدهای دولتی می‌باشد. روایت مزبور را بررسی نموده
و به این ترتیب رسیده‌اند که سیره معصومان در تمام پادشاهی اسلامی بر این می‌باشد که
بر قبر بزرگان دین بارگاه پیامبر است.

5. «مشروطه دعا نزد قبور اولیاء الهی» (رضوی، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۳۴). این مقاله بعد از
تیبین مسئله و نقل نظرات و همایش درباره حرفه دعا نزد قبور و به ویژه قبر پیامبر
به نسخ و بررسی آن برداخته و با بیان و تحلیل برخی اندیشه، مشخص کرده که قول و
سره پیامبر (ع) بر مشروطه دعا نزد قبور دلایل دارد. این پژوهش اگرچه می‌تواند در

www.SID.ir
موضوع: مراویت مؤید مقاله حاضر باشد، ولی مسئله آن، قران محور و شیب و رویکرد حديثی دارد و به نتایج فلهٔ انجام‌های است.
بر این اساس، تا کنون هیچ پژوهشی به صورت تطبیقی آیه ٢١ کهف را در تفسیر فرقی نیست. برای ایجاد کهف مشروطت ساخت نمود بررسی قرار نداده است.
این روپوشتر حاضر در صدد جبران این نقیضه برآمد.
بحث پیرامون مشروطت یا عدم مشروطت ساخت مسجد و بنابر قوره صالحان، یکی از بحث‌های دانش آموزان و مورد اختلاف میان شیعه و اهل سنّت بوده و یکی از مستندات هر دو برای تقویت دیدگاه‌شان، آیه ٢١ سوره کهف است. شیعیان آیه ۲۱ درلیل بر مشروطت ساخت مسجد دانستند و اهل سنّت آن را درلیل برای عدم مشروطت شمرده‌اند. هر یک از فرقی در چگونگی استفاده از آیه برای تقویت دیدگاه‌شان، به‌گونه‌ای متفاوت عمل کرده‌اند. شناخت معنای آیه از طریق مقایسه انضیفه‌ها و ادله مشترک فرقی درنواد می‌تواند با ساخال ملاحظه‌ای به این شیوه باشد.

۲. مراوری بر سوره مبارک کهف
سوره کهف هجوهمی سوره قران است که ۱۱۰ آیه دارد و همه آیات آن به جز آیه ۲۸ مکی هستند. در این سوره به مردم توصیه شده است تا به حق اعتقاد داشته باشند و عمل صالح انجام دهند. کهف به معنای غار در کوه است؛ به همین دلیل، نام این سوره کهف‌تنه‌هد شده است. که دانستن اصحاب کهف در آن آمده است. نام دیگر این سوره حالت‌های است: زیرا سورة کهف حالت بین آتش جهان و قاریان و عاملان به آن خوانند. سه دانست معم در سورة کهف مطرح شده‌اند که عبارت‌اند از: معراج اصحاب کهف، داستان موسی و خضر و حکایت دیالقرنین. اگرچه این سه ماجرای به ظاهر بسیار متفاوت هستند، اما جمع آنها در یک سوره، نمی‌تواند بدون هدف و غرض باشد، خصوصاً آگر گونه‌ن، خداوند حکیم باشد.
درباره جرای عزل سوره کهف نقل شده است که عده‌ای از قروش می‌خواستند از یهودیان مسائلی را پایبندند و با آن مسائل، پایام را بیازمایند. یهودیان گفتند: سه سوال از او پرسید، آگر به دو سوال جواب مطلوب و به سوال سوم جواب سریسته بهدید.
۲۳. آیه ۲۱ سوره کهف و نکات مهم و مورد اختلاف در آن

خداوند در این آیه می‌فرمالد: «وکذکذِ آگاهه‌ای‌ها؛ بپردازی‌م با آن یزدی‌ها و پردازی‌م با دانش‌های متعیّن. و پدیده‌ای‌ها را که آگاهه‌ای‌ها بر راه‌نمایی آنها نمی‌پردازند و پدیده‌ای‌ها را که آگاهه‌ای‌ها بر راه‌نمایی آنها نمی‌پردازند.»

و آنان که بر حاشیه آگاهه‌ای‌ها بودند، گفتند: نه، اینجا را مسجدی می‌کنیم.

نکات مورد بحث در آیه عبارت‌اند از:

اولاً، یاده و گفتگو برای آنها بنایی بسازید، سخن که است?

ثانياً، پیشنهاد ساخت مسجد: «لباندَنْ علیهم مسجدًا» از کیست؟ و نیز «آنها که می‌دوزند.» چه کسانی هستند؟

ثالثاً، ساختن مسجد بر قبب‌های ایشان برای مدد آنان است یا برای فراموش کردن خاطره آنها؟

اینک از طریق بررسی روایات شیعه و اهل سنت و نیز دیدگاه‌های مفسران هر دو فرقه و بر اساس سیاق همین آیه و نیز روشن کلی سوره، آیه‌های فوق مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
۲. مستندات روایی پیرامون آیه مورد بحث در داستان اصحاب کهف

ابتدای روایات موجود در منابع فرقه‌ای مورد توجه قرار می‌دهیم.

۲.۴. روایات منسوب به اهل بیت مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف

در تفسیر آیه ۲۱ سوره کهف، روایت زیادی و ویژه از اهل بیت نقل شده است. این در
یک روایت طولانی از امام علی (ع) آمده است: در مدت زمانی که اصحاب کهف در
خواب بودند، مردم آن دیار با گذشت هر قرن همگی به خدا برایی ایمان آوره‌یند. در
هنگام بیدار شدن اصحاب کهف نیز سرپرستی آن دیار در دست یک نفر مسلمان و
یک نفر مسیحی بود. واقع منسوبان می‌گفت: این ها به دین از مردمان و پایین بر در غار
آنها مسجدی با کن مورد و نصرانیان می‌گفت: بر دین از مردمان و پایین در انجی در
بسازم! گفت وگو در بین آنها درگرفت و کار به جنگ منتهی شد و مردم مسلمان پیروز
گردیدن و در آنجا مسجدی بنام نمود (علامه حل، ۱۳۱۱: ۴۴۶).

شاید بنوان گفت اینکه از امام، تفسیری راجع به آیه مذکور و به ویزای عبایت
(لا تَّخْذِلُنْ أَلَّا مَسْجِدً) نرسیده، بدان علت باشد که در آن زمان، عنا و مراز از آیه
مشخص بوده و شبهه و اختلاف بین محققان فرقیان وجود نداشته که نیاز به رفع شبهه
و تفسیر از جانب امام بوده باید، ولی از سعی ایها افرادی چون این کنر و این تیمه
این شبهه مطرح شده است.

۲.۴. روایات منسوب به صحیب و تابعان مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف

از برخی صحابه و تابعان، دیدگاه‌هایی در تفسیر آیه مذکور نقل شده که در زیر به
گزارش دیدگاه‌های آنان پرداخته می‌شود:

- این عباس پیشه‌هاه‌ده‌گان ساحت مسجد را دشمنان اصحاب کهف می‌دانند که

با این کار در صدد تخطه آنان بودند (طبری، ۱۴۳۲: ۱۵/۱۷۱۷/۱۳۱۵).

- قطانه پیروز و پرندی کارزار بر سر مستعله جوانان غارشیان را امیران و پادشاهان

می‌دانند و بر این باور است که آنان بودند که به‌پیا کرده‌اند و توانستند این‌ها خود را
عملی ساخته و مسجدی در آنجا بنایند. به عبارت دیگر قطانه، کار مسجدسازی را
مربوط به سلاطین می‌داند. اما مشخص نکرده که آیا سلاطین آنها موحد بوهداند یا
مشرک (سیویلو، ۱۴۰۳: ۲۱۸/۲). ـ سعید بن جعفر نیز به مانند قتاده معتقد است که «الذین علیها آمرهم» پادشاه قوم
بوئد، ولی با این تفاوت که وی می‌گوید در آنجا بیعه و معبدی ساختند، بن سجاد؛
چرا که آنان نصرانی بوئدند و بر بالائی آن نوشند: «أنباء الأراکه أبناء الدهاقین» (هامان).
ـ سدی هم علیه کنندگان را سلطان یا پادشاه آن قوم می‌داند. البته معتقد است که
مسجد را در کنار آن غار ساختند، نه بر روی احساس آنان (ابن ایسحاق بیژنی، ۱۱۴۲: ۲۷۹).
در مورد دیدگاه‌های فوق الذکر یاد گفت: سلسله سند این رواپات تا هر یک از
صحابه و تابعان، متصل است. ولی چون زنبوره سند به پیامبر نرسیده و تنها به یک
تابعی با صحابه ختم شده، جنین حدیثی مقطوع و مرفوع ابوه و فاقد حجیت می‌باشد.
حتی دیدگاهی که از این عباس نیز نقل شده، چون خودش صریحاً به پیامبر استاد
نداده، بعد نیست که برداشتی شخصی و اجتهادی باشد. در این صورت، صحت و
سقتمان نستیگ به عدل و وثاقت صحابی دارد، و به فرض که صحابی عادل و موثر
هم باشد، روایت وی معتبر بوده، اما حجیت نیست و نمی‌تواند همدید تفسیر
پیامبر و ائمه باشد؛ چرا که شیعان صرف عادل بودن صحابه را سبب حجیت
قول آنان نمی‌دانند، بلکه حجیت می‌گیرد و تئوری می‌صفرفاً از مصوص می‌پذیرند.

۵. مطالعه دیدگاه مفسران فرقی‌نی‌پیرامون آیه مورد بحث در داستان
اصحاب کهف
پس از بررسی روایات، اینک تفاوت فرقی‌نی مطالعه می‌شود. هرچند مفسران شیعی
دیدگاه تقی‌یا یکسانی درباره موضوع مورد بحث دارند، اما به جهت آگاهی از برخی
استقلال ایشان و مقاتله آنها با آراء مفسران اهل سنت، برخی از آنها ذکر خواهند
شد.

۱. دیدگاه مفسران شیعه مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف
مفسران شیعه همگی هم‌صد و همسو، ایده و پیشنهاد ساختمان مسجد را از جنب
موحدان دانسته و اساساً به همین آیه برای جواز ساخت مسجد بر قبور استدلال
کرده‌اند.

طبیعی، چنین مسی بینند که پروزمندان و ظفریافتگان: «الذیّن علیه علیّهم»،
موحدان بودند؛ چرا که قبل از بیدار شدن اصحاب کهف، میان افراد قوم پر سر مسئله
معاد و بیانگیرانی اختلاف بود. موحدان قائل به حیات دیوبدار بودند، ولی مشرکان
این مطلب را منكر بودند و هنگامی که مفعول کهف رخ داد، سخن موحدان تایید شد
و آنان بر مشرکان غلبه یافتند. پس عبارت «الذیّن علیه علیّهم» نیز اشاره به برتری
موحدان دارد. در ترتیب ساخت مسجد، پیشنهاد موحدان بود به مشرکان (طبیعی، بیت: 28/6/15
عده دیگری از مفسران شیعی نیز به پروزی از طبیعی، برتری یافتگان را
موحدان، و ایده مسجدسازی را نیز مربوط به موحدان می دانند (جزیری، 1388:
حسینی شاهیدی، 1382/4/3؛ زرتشتی، 1375/6/6؛ سید علی، 1380/6/5؛ طیب
کاشانی، 1365/12؛ کمال شیرازی، 1366/12/3). 1378

کاشانی، نیز با استدلال دیگر، پروزمندان را موحدان می دانند. استدلال او این است
که در مدیت زمان خفتگی اصحاب کهف، تعداد موحدان پیشرو از مشرکان شده بود.
در ترتیب به هنگام منازعه و کشمکش، آنان قدرت و مقاومت پیشروی بیشتری به خرج داده و
بر مشرکان ظفر یافتند و سرانجام ایده و نظر آنان به کریسی نشست و عملیاتی شد.
(کاشانی، 1365/12/3).

مغتی پروز و برندن منازعه بین مشرکان و موحدان را موحدان می دانند. البته معتقد
است که غلب آنان به خاطر سلطه و زوروندی و تعداد پیشرو آنان در زمان خفتگی
اصحاب کهف بود. لذا در هنگام جهانی دبیرخواه امر آنان، ایده ساخت مسجد را
مطرح کردند: «الذیّن علیه علیّهم» و به سبب همین برتری در عده و عده، دیگران
نیز موافقتن و سکوت کرده و مخالفی ننمودند (مغتی، بیت: 28/6).

دیگر مفسر معاصر شیعی معتقد است که قبل از بیدار شدن اصحاب کهف، بین
باورمندان به رستاخیز و منکران آن منازعه بود؛ منکران بعد از بیدار اصحاب کهف،
پیشین پیرایشان حاصل نشد و تلاقی کردند تا آثاری از آنان باقی نماند. از این رو
پیشنهاد دادند که بنای بر قبور آنان ساخته شود و از دید مردم پنهان شوند. و لی موحدان
www.SID.ir
گفتنده مسجدی در آنجا بسازید تا موحدان در آن نمای بباشد. در دوره قاجار، نیز عنصرت و تذکری برا مسجد بیش از مخارج، سبب این بود که این محدودان که به برای، شاهد راهندازی کردند، که با مشاهده اصحاب کهف برای این حاوی شد و بیانی آنان را نمونه‌ای از حضر و نشر دانستند. گفتنده بمنظور تذکر نام نیک اصحاب کهف و تبرک محل غار، مسجدی جنب آن بنای غذایی که سبب توجه مردم خبرپرس به این محل گردید و از اقطار جهان برای عبادت پردرگار بدان گرد آیند (حسینی همدانی، ۱۳۸۲/۹/۲۹:۱۴۳۶/۸/۳۲۷۷۰۹/۱۳۸۷) گالب مفسران شیعه، ایده ساخت نبا و دیواری از جانب مسدارکان برای محو آثار اصحاب کهف و پرده‌ای که ساخت محدودان از انظار مردم دانسته‌اند (طریقی، ۱۳۹۱:۱۱۷۷/۸۱/۱۴۲۶/۸/۳۰۷۱/۱۳۸۷). از مطالعه گفتنده توسط مفسران شیعه به دست می‌آید که همگی آنان ساخت بنا بر دیواره کهف: «آنانه علیهم بنیان دارند، گفته می‌داشتند» را پیشنهاد کردند. در صد محو آثار جوانان کهف بودند. ولی ایده ساخت مسجد: «آن‌جاتی‌ان علیهم مسجد» را گفتار موحدان برای یادآوری و باقی محدودان نام نیک آنان دانسته‌اند. برخی از مفسران، عامل غلبه موحدان: «الذین غلبت‌های آن را باور آنان دانسته‌اند» چرا که قائل به حیات مجدد بودند و با معجزه اصحاب کهف، باورشان محقق شد. برخی دیگر غلبه را پرتره این و حکم را موحدان دانسته‌اند که بعد از حساب فرتن اصحاب کهف، به تدریج چرخه روزگار بسی آنان گردش کرده بود.

۱۰-۵ دلایل مفسران شیعه

با تبع در نگارش شیعه به دست آمد که آنان برای تأیید نظام خودشان (ساخت ون باز از جانب مسجد، ساخت مسجد توسط موحدان)، از قرن‌های محدودی سیاق، شواهد تاریخی و سکوت قرآن محدود فنگه‌اند.

۱۴-۵ همسوی با اخبار تاریخی

در کتاب‌های تاریخی آمده است که بعد از حساب فرتن اصحاب کهف سال‌ها

www.SID.ir
از پی بکی‌گیر گذشته‌نگاران و مرد آن دوره و پادشاهان آمده آنان (دیوان) هلاک شده، ملت‌ها و پادشاهان دیگری آمدند و رفتند تا اینکه سرانجام مردی صالح به نام «تدليس» با «نگوستون» به پادشاه رعیت و مرم را به خدا دعوت نمود و از بعث و نشور ترسانید و اصحاب کهف در زمان سلطنت و فرمان‌واوی و زنده شدند (طبری: 1387: 9/2).


مفسران شعبی از این اخبار تاریخی مدد گرفته و غالب قوم را موحد دانستند:

به طوری که توانستند بر مشارك چهری شوند. سببیانی در این باره چنین می‌گوید:

«تاریخ گواه آن است که دو یافته مارک اصحاب کهف، دو مرد برای توحید بر شرک بودند. دیگر از آن فرمان‌واوی مارک و اخلاق او، که مردم را بر پرستش بودند می‌کردند، خبری بود. طبعاً این مرده غالب، همان موحدان خواهد بود»

(سیحانی، 1387: 9).

برخی دیگر از مفسران هرچند به صراحت گفتند که از اخبار تاریخی بهره بردند، ولی از آنجایی که بیان کردند هم‌مان با زنده شدن اصحاب کهف، پادشاه صالح حکومت می‌کرد و اوضاع شهر تغییر کرد بود و غالب مردم به توحید گراییده بودند. پس سخن موحدان به کرسی نشست و مجدی ساختند، مشخص می‌شود که از اخبار و اطلاعات تاریخی مدد گرفته‌اند (فیض کاشانی: 1347: 1315/3: 1238/1).

راست، هم‌مان با سیاق

دلیل دیگر مفسران شیعه این است که سیاق گفتار در صد مدعی و تک‌داده‌ای

اصحاب کهف است. به همین خاطر، اگر سرانجام آنان را متشبک به شرک بدانیم، با

سیاق مناسب نیست (مکارم شیرازی: 1347: 1374/12: 828/13).

برخی دیگر از مفسران، وجود قرائتی در الفاظ آیه را نشانگر قوی بودن ساخت

مسجد از سوی موحدان دانستند. علامه متعدد است که عبارت «ان‌ها علیهم بی‌یا»

گفتند. موحدان است. دلیل علامه برای این نسبت، عبارت «رب‌ها آلم‌های ییهم» می‌باشد که

در ادامه گفتارشان آمده است: «چرا که اگر سخن مؤمنان بود به جای «رب‌ها» می‌گفتند:

زبیا علمی، و حال که تعبیر «رب‌ها» به کار رفته، می‌فهمند که مطلب فوق، گفتار»

www.SID.ir

اینگه متن پیشنهادی آنان، موضوع «مسجدسازی برای پرستش خدا» بوده و همه معبد، گواه بر این است که پیشنهاددهنگان، افراد موحد و گروه نمازگزار بوهداند. چون مسجد در عرف قرآن، محلی را گویند که برابر ذکر خدا و سجده بر امیا شده است و قرآن یکنده و یا سایر معابد را مسجد نخوانده است، همه انجانه که خداوند در سوره حج، مسجد را در مقابل صومعه و بیع و صلوات قرار داده و فرموده است: «وَسَاجِدًاْ يَدْرِكْ فِيهَا اسم الله» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۳۰/۱۵: ۲۷۱).

قرآن کریم گفتار موحدان را با سیاقی نقل کرده که مفيد مدد است: چرا که بین قول آنان و قول مشارکان، مقایله انداده است، این در حالی است که گفتگه مشارکان، مملو از تشکیک می باشد: اما قول موحدان، قاطع بینان شده و قطعیت آن، از لام در «یلیخنن» هروداست. پس مطلوب ند آنان، مجرد بدنا و ساخت نیست، بلکه ساختن مسجد است و این گفتار دلالت می کند که آن افراد، عارف به خداوند و معترف به عبادت و نماز بودند. آگر ساخت مسجد را عمل مشارکان در نظر گرفته و گوییم این کار را ناجام دادند تا مرمد را منحرف کند، در واقع مسیر و سرنوشت قصه اصحاب کهف را منتهی به یک عمل مذموم آمیز کرده است.

۳۱.۵. عدم رضا یا انکار ساختن مسجد از سوی قرآن؛ و در طول دلیل انگشتران شیعی برای اثبات ایده ساخت مسجد از جانب موحدان این است که خداوند قول و فعل آنان را حکایت کرد است، اما هیچ گونه رذ و انکاری نسبت به آن نداشت یا است. بنابراین می توان از آن جواب را برداشت کرد. مدرسی از مفسران معاصر می گوید: 

«قرآن به ما می فهماند که ساخت مسجد، عملی مشروع است؛ زیرا آن را ذکر کرده، www.SID.ir
ولی هیچ انتقادی ریتی نسبت به آن نداشته است... قرآن هر گاه قصص و داستانهای اوقام گذشته را برای ما نقل کرده، جز برای دو هدف نبوده است: یا برای اینکه از آن نهی کند یا اینکه به آن امر کند. پس هر گاه از آن نهی نکرد، به آن امر کرده است» (مدرسی: ۱۳۹۱: ۱۴۳۰).

جوادی آلی‌نیا نیز می‌گوید:

قرآن کریم همانند برخی از کتب متداول، مجمع اقوال نیست، تا آرا مختلف را نقل کند و بین آنها داوری نکند، بلکه نقل های آن با داوری همراه است، از این رو، اگر مطلبی را نقل کند و سخنی در ابطال و رد آن نیاورد، نشانه امضا و پذیرش آن است» (جوادی آلی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۳۲: ۷۵).

سیحاتی نقل توأم با سکوت قرآن را نشانگر جواز دانسته و گفته است:

«هرگونه صحت نیست که خداوند نشانه شرک را از گروهی نقل کند، بدل آنکه به طور تلخیح یا تصریح از آن انتقاد نماید و این استند مهابان "نقرس" است که در علم اصول از آن بحث شده است» (سیحاتی، ۱۳۸۹: ۱۲۸۰: ۹۸).

هر گاه قصص و داستانهای قرآن را ملاحظه کنیم، متوسط می‌شویم که به خاطر مجرد حکایت واقع تاریخی وارد نشده، بلکه برای اعتبار و اشکال و موظفه هستند.

بنابراین برای ما آشکار می‌شود که دلایل آیه بر استحباب است.

۲-۵ دیدگاه مفسران اهل سنت

بين مفسران اهل سنت در مورد اینکه پیشنهاد ساخت مسجد، گفتار چه کسانی بوده، اختلاف نظر است. به طوری که در این زمینه حداقل سه نظریه مختلف را احتمال داده‌اند. ولی راجع به ایده ساخت با و دیوار هم فکر هستند. به بروه دیدگاه‌های آنان، اشاره می‌شود:

اشراق می‌شود:

۱۴-۵ ساخت مسجد ایده موحدان

مشارکان که با پیشکات اصحاب کهف، در منازعه با موحدان بر سر قضیه معاد شکست خورده بودند، در صد روبروی دیوار و بنایی بر دهانه غار بسازند تا آنان از نظرها پنهان بمانند؛ اما مسلمانان که تعدادگریان بویشهر بو، اجراه نداده و گفتن بر آنان

www.SID.ir
مسجد بسازیم (بیوی)، ۱۴۲۰، خراسان، ۱۳۲۳، خرداد ۱۳۷۴، خرداد ۱۳۷۵، خرداد ۱۳۷۶، خرداد ۱۳۷۷، خرداد ۱۳۷۸، خرداد ۱۳۷۹، خرداد ۱۳۸۰، خرداد ۱۳۸۱، خرداد ۱۳۸۲، خرداد ۱۳۸۳، خرداد ۱۳۸۴، خرداد ۱۳۸۵، خرداد ۱۳۸۶، خرداد ۱۳۸۷، خرداد ۱۳۸۸، خرداد ۱۳۸۹، خرداد ۱۳۹۰، خرداد ۱۳۹۱، خرداد ۱۳۹۲، خرداد ۱۳۹۳، خرداد ۱۳۹۴، خرداد ۱۳۹۵، خرداد ۱۳۹۶، خرداد ۱۳۹۷، خرداد ۱۳۹۸، خرداد ۱۳۹۹، خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲، خرداد ۱۴۰۳

شماره تفسیر پیش‌داری با توجه به آیه استدلال کره دهای اینکه ساخت مسجد بر قبور علملا جایز است. همچنین نمای خواندن در آن نیز جای می‌باشد (خفایی، بی‌تایا: ۸۶/۶).

زمخشیری نیز پیشنهاد ساخت مسجد را از جناب مسلمانان دانسته و به آیه برای جوان ساخت بنابر قبور صلاحان و تبرک جستن به آن استدلال کرده است (زمخشیری، ۱۴۰۰/۲).

دیگر مفسر معاصر اهل سنت می‌گوید:

"مؤمنان و کافران راجع به أصحاب کهف به کشمکش برداختند. کافران گفتند: بیه (معبد سیاحان) بر سر قبر آن بسازیم. مسلمانان که در اکثریت بودند، گفتند:

مسجدی بنای کنید و همین کار را عملی کردن و مسجدی بر سر قبور آن ساختند.

این فعل و عمل آنان دليل قاطعی بر جواز مسجد ساختن بر سر قبور می‌باشد (محمد ختیبی، ۱۳۸۳/۱).

۲۶-۵ ساخت مسجد ایده مشرکان

پیشنهاد ساخت مسجد از جانب مشرکان می‌باشد؛ با این استدلال که چون خداوند برای آنان وصف «غلیبه» را به کار برده و با وصفی که به واسطه آن شایسته مدع برند، آنان را توصیف نکرده، پس کار مشرکان می‌باشد: چرا که متوسل شدن به قهر و غلبه و هوی حریه مشرکان می‌باشد. دیگر آنها ایجادی منقول بسیاری از پیامبر (ص) مؤید آن است که مسجد ساختن قبور. فعل مشرکان است (ابن رجب، ۱۴۲۲/۱; قاسمی، ۱۴۱۸/۷).


ظری مفسر بزرگ اهل سنت در این زمینه می‌نویسد:

میان دو گروه از مردمان در رابطه با بنای مسجد جنوب غار کهف اختلاف شد. گروهی که مشرک بودند، گفتند: "آنان علیهم بالا نشینند!" به یکی بر آنها بسازند. گروهی که مسیحین بودند، گفتند: "آنها علیهم بالا نشینند!" ما به آنها سراوارتم چون آنها مثل ما اهل اسلام بودند. بر آنان مسجدی بناء می‌کنیم و در آن نماز می‌خوانیم و خدا را عبادت می‌کنیم (ظری، ۱۴۲۳/۲: ۱۴۸/۱۵).
طبری پس از نقل هر دو قول، هرگز کدام را بر دیگری ترجیح نداده است.

شوکاتی و تعداد دیگری از مفسران اهل ستّت، ایده ساخت اینجا را از جانب مشرکان دانسته‌اند تا مردم توانند به اصحاب کهف راه بیانند و دیوار، آنان را از دید و انظار مردم پوشیده و پنهان ببندند (ابن جوزی، 1422/3، زمگری، 1407/2، شوکاتی، 1416/1)؛

دیدگاه‌های فوق نشان می‌دهد که مفسران اهل ستّت راجع به پیشنهاددهنده ساخت مسجد اختلاف نظر دارند، ولی درباره ایده ساخت با نهضت هستند.

۵-۲-۵ ساخت مسجد، ایده صاحبان غلبه و نفوذ

پیشنهاد ساخت مسجد، از سوی صاحبان غلبه و نفوذ بود؛ اما اینکه افرادی موحد بودند یا مشترک، مشخص نبود. به عبارت دیگر، از ظاهر آیه تا به دست می‌آید که سخن صاحبان نفوذ به کرسي نشست؛ اما اینکه آنان افرادی محدود بودند یا محدود، بر ما پوشیده است (ابن كثير دمشقی، 1420/5، طنطاوی، پیا، 1494/7، فیصل المبارک، 1416/1)؛

۵-۲-۴ دلایل اهل ستّت مبنی بر کرایت مسجدسازی بر قبور

برخی از مفسران اهل ستّت که ایده ساخت مسجد بر قبور اصحاب کهف را گفتار مشرکان دانسته‌اند، به دلایل و مستنداتی تماس کرده‌اند.

۵-۲-۴ دلایل اول: مخالفت با روایات نبی

برخی عالمان اهل ستّت که ایده مسجدسازی را پیشنهاد موحدان دانسته و همه آن‌ها در اینجا معتقدند که مسجدسازی بر قبور انبیا و اوالی در انت اسلام، عملی نکوهیده است: زیرا ستّت نبی، شارح و مفسر آیات بوده و در روایات متعددی پیامبر ایمان فعل را ملزم کرده و انجام دهنده چنین کاری را معلوم دانسته است. از جمله روایاتی که به آن استدلال کرده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

www.SID.ir
الف) روايات نهی از مشابهت به یهود و نصاری و نقد دلائل آن‌ها

در بعضی روايات وارد شده که هر آنچه یهود و نصاری انجام دادند، در این امت نیز رخ می‌دهد. در صحیح بخاری و مسلم، از ابوسعيد خُذَری به نقل از پیامبر آمده است:

"التبیعَ سَنَّتَنَا مِنْ قَلْبِكُمْ شَتَرًا بِذَرَاعٍ، حَتَّى أَلْسَلِكُمْ تَجْرِيرًا ضَمَّ لَسْلَكَتَكُمْ!"
"قال: یا رسول اللہ! سَلْمَائُوَادَادَارَی؟" (بخاری، ١:٣٣٣: مسلم) بن‌نَا.

آن‌ها بیان شده‌اند و همین امر به تدریج باعث شد که برای خداوند شریک قائل شده و به پرستش صحاب قیم بردادند. بنابراین پیامبر نیز امتش را از جنین عملی بر حذر داشت تا مبادا مانند آن‌ها گرفتار شکر شود.

اندیشم‌ذاتی شیعه برای بایرون که حديث مذکور دلaltet بر همسانی و عینت ندارد. بلکه در دلالت بر تشایه می‌کند: آن هم در برخی وجه، نه در تمام وجه. مسئد ابیان برای این رأی و نظر، موارد نقض و استثناءان فراوان شرعی است که وجود دارد. یعنی اینکه معتقدین روايات و آیات از موارد و امور جنده خبر داده‌اند که در استهای گذشته رخ داده، ولی در این اسلام به وقع نیویسته است. بنابراین حديث مذکور، دلالتی بر وقوع و رخداده هنگامه‌که در سایر امت‌ها بوده، ندارد. بلکه بیانگر آن است که این امت‌ها به گذشته‌گر فرته، شیبه و مشابه انسان‌ها در این اسلام نیز رخ دهد.

علائم معتقد است:

"اهاگی دلالت به مشابهت امت اسلام با سایر امت، دلالت بر پیکسانی در همه جهات ندارند؛ بلکه دلالت به مشابهت می‌کند، آن هم از نظر تبیه و اثر، نه از نظر عین حادثه" (طیب‌الیا، ١٢٤٧/١٢:١١١٨/١٢:١٢٤٧/١٢)}
سیحانی بر آن است که یکسانی و مماثلت در احادیث تشیع‌امام‌ته‌ها در برخی
جهات می‌باشد. نه در همه جهات، چرا که بحکم علوم‌نظری، یکسانی نمی‌تواند در
تام جهات باشد. بديهی است که حوادثی مانند عثاب‌گوساله، سرگردانی در تبه
(بیان) و قضاوت‌های رخ‌داده در ملك سلمان، در این است نخواهد بود (سبک‌نی،۱۴۳۲:۳۹/۲). نویسنده دیگری می‌گوید:

«حادیث تشیع‌امام به معنی تکرار همه حالات امام گذشته نیست، بلکه ممکن است
منظور از روایت، تکرار بعضی از آن حالات باشد؛ زیرا به بقیت می‌دانیم که بر
امت‌های گذشته حالاتی رخ داده که بر اساس اسلامی رخ نداده است؛ مانند مسیح
شند بعضی از آن‌ها و با ناش شرایط آن‌ها از این قبل» (جعفری،۱۳۸۲:۱۷۲)。

(ب) روایت‌هایی از مسجد ساختن قبور انبیا و نمای دلائل آن‌ها

روایت دیگری که عالمان اهل سنت برای قبیح دانستن مسجدسازی بدان استناد
کرده‌اند. روایتی است که پیامبر ۸۲ فرمود:

«الان الله الهوادان و التاسیع اتخذوا قبور انبیائهم وصالحهم مساجد» (ابن عبدالهادی
حنبلی،۱۴۳۱:۲۳۶)؛ جداوند بهود و نصارا را لعنت کند که قبور انبیاء بخود را مسجد
قرار دادند.

برای فهم صحیح این حديث باید نحوه عملکرد بهود و نصارا را نسیت به قبور
پیامبرنشان بدانیم؛ زیرا پیامبر ۵۸ می‌گوید: «ما را از عملی که آتان انجام داده‌اند، باز می‌دارد.
آخر حدود کار آتان روشن شود، محدوده حرمت در اسلام نیز مخصوص خواهد شد.
به همین منظور باید تمام روایاتی که در این موضوع وارد شده، تحلیل شوند؛ زیرا
همان طور که با آیاتی می‌توان ابهام آیه دیگر را برطرف کرد، همچنین می‌توان با
حديثی حديث دیگر را تفسیر و از آن رفع ابهام نمود. در حديث آمده: «لا تصلوا إلی
الْقُبُورِ وَلَا تَجْلِبُوا عَلَيْهَا» (مسیح، بیک‌د:۲/۶۵۷، نسائی،۱۴۲۶:۳۱۱، حانوی،۱۳۱۴:۱۴۱۴،۱۳۱۶:۳۱۱،۱۳۱۶:۱۴۱۴)؛ و در حديث دیگری وارد شده است: «الله‌مِ لا تجعل قبور وثناً تعبید. اشتُدُ غضب الله
على قُؤمم انْتَخَذُوا قُبَورَ أَنْبِيَائِهِم مَساَحَةً» (مالک،۱۴۳۲:۱۳۱۱:۱۳۱۲، احمد بن حنبل،۱۳۳۱:۱۳۸۵/۲، ابودود،۱۳۴۰/۲،۱۳۴۳/۱۲،۱۳۴۳/۱۲،۱۳۴۳/۱۲،۱۳۴۳/۱۲). این احادیث بیانگر آن است که بهود و نصارا قبور
پیامبران خود را قبل خود قرار داده و از توجه به قبیه واقعی سر باز می‌زنند. بلکه بالاتر،

www.SID.ir
در کنار قبور پیامبران، به جای انگه خدا را بپرستند، پیامبران خود را می‌پرستند.

به عبارت دیگر، آن‌ها با قبر و تصویری که کنار آن بوده، به مانند بت رفتن می‌کردند و قبری‌ها صورت فرد صالح را قبل قرار می‌دادند، بلکه آن‌ها به صورت بت می‌پرستیدند.


همچنین در نقد برداشت اهل سنت از حدیث مورد بحث می‌توان گفت در روایتی که به بهد استفاده در کتب شیعی و اهل سنت نقل شده، پیامبران در مسجد خیف نماز گزارد، در حالی که قبر 70 نیبی در آنجا وجود دارد؛ پس ساخت بنا منعی ندادند.


همچنین در روایات متعدد، هم در کتب شیعه و هم سنی نقل شده که قبر برخی انبیا در حجر اسامیعل است و آن حضرت، مادر و دخترانش را در آنجا دفن کرد و این حائل را کسی که بر بالای قبر ایشان راه نزود و قبر حضرت اسامیعل نیز در آنجاست.

(کلیسی، 1429/8: مجلسی، 1403/12: 1416/12: حمزه: 1417/7: حمزه: 1417/7: حمزه: 1417/7: حمزه: 1417/7:).

در کتب اهل سنث نیز آمده که قبر تعدادی از انبیا مانند هود، صالح، اسامیعل، آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف (ص) در مسجد الحرام واقع است (فازی، 1432/2: ازقیه، بی‌تا: 1414/27: فاکیه، 1416/27: شکی نیست که در کنار این قبور، هم بنا ساخته شده و هم نماز خوانده می‌شود.

همچنین وجود قبر پیامبران (ص) در مسجد، از دیگر دلایلی است که می‌توان به برداشت نادرست اهل سنث از روایت فوق استدلال کرد (همدانی، 1416/133/11: 1416/133/11).
گفتنی است که اهل سنت روایاتی ناظر بر جواز ساختن نا بر قبور، حتی در زمان حیات رسول خدا نقل می‌کنند؛ مانند این ماجرای که در کتب اهل سنت ضمن بیان شرح حال ابویمصیصر صحابی آمده است:

(رسول خدا) نامه‌ای به ابویمصیصر نواشت که به سوی او یاد کند. نامه زمانی رسید که ابویمصیصر در حال جان دادن بود. وی در حالی که نامه پیامبر را در دستش بود و آن را می‌خواند، از دنیا رفت. ابویمصیصر از این زمان جا دفن کرد و مسجدی کنار قبرش نا نمود (ابن عبدالبار، ۱۴۱۲، عسفانی، ۱۳۷۹: ۱۵۱/۵/۳۵۱/۵، شوکاتی: ۱۳۷۹/۸/۵۵: ۲۰/۲۰۰۹).

بنابراین می‌توان گفت که ساخت مسجد در کنار قبر، اولین بار توسط صحابه پیامبر رخ گرفته است.

۲. در مورد: تغییر حجت بودن شرایط سابق


در این قسمت، به بیان نقاط اشتراک و اختلاف میان مفسران امامیه و اهل تسنن
می‌بپارازیم. نقطه مشترکی که در میان مفسران فرقین در تفسیر آیه شریقه هست اینکه مفسران فرقین، پیشنهاد‌های ساکت با در دیواده‌ی ماهربکانی می‌دانن که در صد مخفی یکدی اصحاب کهف از انگار مردم بودند. در باب تفاوت دیدگاه‌ها می‌توان گفت مفسران شیعی همگی به اتفاق، ظفری یافتنگان منازعه موحدان و مشرکان در باب اصحاب کهف را موحدان می‌دانند. ولی اهل ستی للم احتمال را مطرح کرده‌اند: الف-موحدان، ب-مشرکان، ج-پادشاه. مطلب دیگر در باب تفاوت دیدگاه‌ها اینکه اهل ستی، غلب به کننده‌مل رد اهل قدرت و سلطه می‌دانند که از نظر سیاسی پروز شدن، در تیجه گفتار چنین گروهی را شایسته پیروی نمی‌دانند. اما مفسران شیعه، غالباً و عارفان و موحدان می‌دانند که از نظر فکر و اندیشه و ایدئولوژی پروز شده بودند و پیشنهاد مسجدسازی گواه بر این است که پیشنهاد‌هشان، مردم متدين بودند و از این نظر، بر گروه دیگر غله کرده بودند. بنابراین به طور کلی این اختلاف نظر بین مفسران فرقین جدید بوده و تأثیر اساسی در معانای آیه ایجاد کرده است.

۷. داوری میان دیدگاه‌ها، و اثبات سخن «مسجدسازی» توسط موحدان در این بخش، به ارزیابی دیدگاه مفسران دو گروه می‌پردازیم تا مشخص شود که کدام دیدگاه صحیح است. همان طور که بیان شد، همه مفسران شیعه و برخی مفسران اهل ستی، ساکت مسجد بر اصحاب کهف را پیشنهاد موحدان می‌دانند؛ ولی برخی مفسران اهل ستی، ابتدای مسجدسازی را مربوط به مشرکان و بددعت‌گذارانی می‌دانند که فلسفی شاپه‌پیروی نیست. مسند مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه، بیشتر اف‌جار تاريخی با روایت است که در کتاب تاریخ و قصص و حدیث پرامون اصحاب کهف گزارش شده است.

اینک سعی می‌شود با دلایلی چنند که برگرفته از سیاق آیه و همچنین سیاق کل سوره و نیز محور اصلی سوره است، بیان نماییم که فعل مسجدسازی مربوط به موحدان بوده است.
۱۷. توجه به رابطه بینامتی آیه با آیات دیگر همین سوره، مشتمل بر موضوع «ساختن بنا»

در دو جای دیگر این سوره نیز سخن از ساختن بنا شده است. یکی در داستان موسی و خضر در قرآن و دیگری که وقتی به قریه‌ای رسیدند. از این واقعه به عنوان بنا اجرا نماید. در این هنگام خضر اینجا به دیواری که در حال ویران شدن بود، نگریسته و به موسی پیام گفته: به اذن خدا برخیز تا این دیوار را تعمیر و استوار کنیم تا خراب نشود: «قانع‌الحکایه، إذ آئیها مُلْکُ قُرَّبَیَّة اعثَاثْنَا أَهْلَهَا فَأَطْفِهْنَا فَوَجَدُوا فِيهَا جَانَّةً بِرِيدٍ أَن يَبْقِيَنَّ فَآفَاقَةً» (کهف/ ۷۷)

هدف خضر اینجا از ساختن دیوار، محوکش ماندن گنجی بود که والدین دو نوجوان پیش در زیر دیوار مخکی کرده بودند. تا نوجوانان بن سبب بلغو رسیدن و بوتاند گنجشان را استخراج کنند. ساخت این بنا، توسط خضر اینجا که از اولوا به همیش غرخت و صورت گرفت و هدف وی نیز امری والا و حفاظت از مال دو یتیم بود.

مورد دوم ساخت و سازی که در سوره کهف به آن اشاره شده، در داستان ذوالفقارین است؛ آنها که در دیدگاه سفره‌ای خود به جمعیتی برخورد کرد که از نظر تمدن در سطح پیشرفته‌تری بودند. آنها که از ناحیه دشمنان خونخوار و سرسختی به نام «پاوجوج و مأوجوج» در عذاب بودند. مقدم ذوالفقارین را که دارای قدرت و امکانات عظمی بود، غنیمت کردند و دست به دامن او شدند و گفته‌اند: پاوجوج و مأوجوج در این سرزمین فساد می‌کنند. آیا ممکن است هرگونه توانایی گذاریم که می‌توان و آنها سدی ایجاد کنی؟ قایل‌ها بیان کرده‌اند که: «قالوا ای ذا القَرْنِينَ إن یَأْمُرُ بِمَا اجْعَلْنَاهُ مِن دُونِهِ مُفْسِدَةً فِی الْأَرْضِ فَهَلۡ تَجَلَّلْ لَکَ خَلۡقًا عَلَیۡنَ مَعۡلُومًا وَبِئِیَتُهُم ۸۰» (کهف/ ۹۷). ذوالفقارین پاسخ متینی می‌دادند و بر آنکه کمک مالی از آنها دریافت کنند. سدی را که مردم را تجاوز پاوجوج و مأوجوج باشد، ساخت و در ساختن آن از آهن و مس مذاب استفاده نمود. در اینجا نیز فعل ساخت توسط پیش از موضوعات و اولیای الهی و به جهت هدف و باعث کمک به مردمی استمداد صورت گرفت. با قبضه این دو ساخت صورت گرفته می‌توان احتمال قوی داد که در داستان اصحاب کهف نیز ساخت مسجد توسط اشخاصی موحد و به جهت
هدفی و آلا صورت گرفته باشد.

۲۷ توجه به محور اصلی سوره کهف پیرامون حمایت از مؤمنان
یکی از محورهای اصلی سوره کهف و حفاظت از مؤمنان در برابر مشرکان و
کافران است. در سوره چندین بار پیش از مؤمنان و مشرکان صورت گرفته که در همگی
مؤمنان پیروز بوده‌اند. در داستان صاحب دو باغ، بین باخدار ترومتند و مالدار با مؤمن
فیقر بی‌پناهی گفتگوی صورت می‌گیرد و چون باخدار در برابر مؤمن فخرورشی
کرده و مال و اولادش را به ره می‌کشد. شبانگاه باغش دچار صاعقه شده و به تلی از
خاک تبدیل می‌شود. در داستان دوم بایاده ظالمی که کشتی‌ها را غارت می‌کرد,
به ناگاه خطر به صحنه آمد و با سوراخ کردن کشتی اجاغه نداد که کشتی توسط
پادشاه ظالم غارت شود. در داستان ذوالفقارین نیز ذوالفقارین با یافجو و ماجوج ستم‌گر
روبوده و توانست آنان را میان دو سد حبس کند. با مقدار قرار دادن نمونه‌های
ذکر شده می‌توان گفت که یکی از محورهای سوره کهف پیروزی مؤمنان بر مشرکان است.
بنابراین در مذاق‌های بر سر قضیه اصحاب کهف نیز که تقلید مؤمنان با مشرفان
مطرح است، می‌توان گفت که نخواستن حامی مؤمنان بودند و آنان را بازی کرده است.
بنابراین غلبه کنندگان مؤمنان بودند و آنان بودند که پیش‌نهاد ساخت مسجد را مطرح
کرده‌اند.

۲۷ توجه به نقل مجازا توسط قرآن بدون رذ کردن آن
قرآن این دیگر یک اثر بی‌پروز به صورت «مسدسازی» را از جمعیت پیروز بر مشرکان
نقل کرده، بدون اینکه آن را نقد کند. و این خود نشانه‌های موردی بودند آن است؛ و گرنه آن
را نقد می‌کرد. دان و مرام قرآن کریم این است که هر چا گفته‌رای آن از دیگران نقل
می‌کند. در صورت عدم صحبت، ب به نقد آن می‌پردازد، مقرر اینکه بی‌پایگی آن روشن
باشد؛ مثل افرادی به هنگام غرق شدن در امواج دریا اظهار ایمان کرد و گفت: «آمیت
انکه نبود.» (۹۳) و یا: «آمیت می‌پردازد و یا نیست.» (۱۰۱) و یا: «آن‌ها از ایمان‌های آن‌ها
در خدایی جز آنکه بی‌اسلام بی‌اسلام بی‌اسلام بی‌اسلام بی‌اسلام بی‌اسلام و در نسیم نسیم
و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم و نسیم и

www.SID.ir
نقد می‌کند و می‌فرماید: «آلذان، وقیفاً عصبیت قلب و نشان‌های من‌می‌باشند» (يونس/۹۱). بنابراین
اگر موضوع ساخت مسجد، سخن مشرکان بود و یک عمل خلاف با لوگو و بس جهت
بود، هرگز قرآن در برای آن سکوت نمی‌کرد و به گونه‌ای آن را تخلیه می‌نمود. حال
که در برای آن سکوت کرده و تأیید ضمیمه نموده است، مشخص می‌شود که این
دیدگاه مربوط به مؤمنان و مورد پذیرش قرآن است.

۷. توجه به تأکید خداوند در آغاز سوره، مبنی بر «اراثه سخن حق»
آیه ۱۳ سوره کهف اشاره کرده که تنه‌ها مواردی از داستان اصحاب کهف را بارگو
نموده که مطلق با حق و راستی بوده است: «خو نقص و علیک بناهان، با ایم، یکی از آنان
پری‌ها و ربات‌های هدیه»). اکنون که خداوند از میان همه وقایعی که در مورد اصحاب کهف
بيان کرده، به این نکته نیز اشاره فرموده و آن را از باب قصه، حقه معرفی نموده,
به‌دلیل می‌آید که اصل ساخت بارگاه بر قبور. از سنت مؤمنان بوده و قرآن نیز نه تها
مشروطی این عمل را بیان فرموده، بلکه ترک این عمل را از اعمال کفاف و مقدم
معرفی نموده است.

۷.۵. توجه به عاقبت اصحاب کهف و طلب «رحمت» و «رشد» از خداوند
اجتماع کهف بعد از آنکه به خاطر حفظ دین، مخفيات از میان قوم گریختند و به
غار پناهندگی شدند، در آنجا از خداوند طلب رحمت و رشد کرده‌اند: «از اوّلی لفظیه‌ی‌یل
الکهف فقه‌الوط‌رتنایا ملک رحمت و کشف‌الدین آنها از أولاً رشمه» (کهف/۱۰). بدیهی است که
خداوند نه تنها دعای آنان را مستجاب کرده و از جانب خودش رحمت به آنان داد و
اسباب رشد را برای آنان فراهم کرده، بلکه داستان آنها را در آخرين معجزه الهی یعنی
قرآن ذکر نموده، که تا دنبای دنباست، بشر از قصه آنها عبرت بگیرد. بنابراین بعید و
غيرمحتمل است که بعد از رحمت و رشد، و بیدار نمودن آنها پس از سیصد سال و
متوسط ساختن مردم شهر به سوی آنان. نتیجه آن شود که باعث صلابت و گمراهی
بیشود و مردم به واسطه آنان، به شرک گرایی‌های و اصحاب کهف را در عبادت خداوند
شریک سازند یا به جای عبادت خداوند به عبادت آنان پردازند.

www.SID.ir
نتیجه‌گیری

۱- مفسران فریقین به اتفاق معتقدند که پیشنهاد ساخت بنا بر دیواره غار، توسط مشرکان مطرح شد؛ با این هدف که در صدد بودند اصحاب کهف را از انظار مردم مخفی کنند. ولی دیدگاه‌ها درباره پیشنهاد مفسران ساخت مسجد متفاوت است؛ مفسران شیعه همگی ساخت مسجد را ایده موحدان می‌دانند. اما مفسران اهل سنت سه احتمال را مطرح کردند: افزایش موحدان، ب. مشرکان، ج. پادشاه. که تها در یک نظر با شیعه همراه هستند.

۲- مفسران شیعه برای تقویت دیدگاه خود به قرانیت مانند همسوی با اخبار تاریخی، هماهنگی با سیاس و عدم رأی انجام ساخت مسجد از سوی قران بهره‌گرفته‌اند.

۳- عمده‌ترین مفسران اهل سنت برای تقویت دیدگاه خود مبنی بر ساخت مسجد توسط مشرکان، روایاتی از پیامبر ﷺ مانند نهی از مشابهت به بهود و نصرا و نهی از مسجد ساختن قبور انجام می‌دهند. که ضمن نقد آنها مشخص شد این روایات بیانگی سجده بر قبور و قبل قرار دادن قبور به هنگام دعا و نماز هستند؛ ولی آیه مورد بحث در سورة کهف، مسجدسازی را به جهت تعظیم شأن و منزلت اولیای الهی و تبرک جستن به مکان آنها دانسته است.

۴- با توجه به سیاس کلی سوره و محورهای مطرح شده در آن، دیدگاه مفسران شیعه تقویت می‌شود؛ از جمله اینکه در سوره کهف، دو مورد ساخت بناه دیگر هم توسط خضر و ذوالقرین برای هدفی و بالا صورت گرفته است. دیگر آنکه در سوره کهف، جنگ مورد بین موحدان و مشرکان تقابل ایجاد شده و در همه موارد، حداکثر موحدان بوده و آنان را پاframework.com/
کتابشناسی

1. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن ابن حاتم محمد بن ادریس، تفسیر القرآن العظیم سنداً عوطرسنگ، ۱۳۶۹ ق.

2. ابن جوزی، ابی‌فرج عبد الرحمان بن علی، زاده‌می‌سینی عالم تفسیر، تحقیق عبدالرضا المهدی، برودت، دار نشر عربی، ۱۳۴۴ ق.

3. ابن رجب، زین‌الدین بن احمد، راهنمای تفسیر عربی، دار نشر عربی، ۱۳۳۷ ق.

4. ابن عدادی حتیبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، المحررین الحدیث، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشی، چاپ سوم، لبنان، دار المعرفه، ۱۳۶۱ ق.

5. ابن عطیه ابتدایی، ابو محمد عبدالرحمن بن غلیب، المحررین الحدیث، تفسیری کتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالعلی محمد، برودت، دار نشر عربی، ۱۳۴۴ ق.

6. ابن کوثر دمختی، ابوالفیاد، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، برودت، دار نشر عربی، ۱۳۴۹ ق.

7. اشتهاری، على‌نامه، ماردک المورع، تهران، دار نشر سهیل، ۱۳۴۷ ق.

8. پوراسلامی، احسان، «ساخت بازی قرآن در بررسی نگاه شیعه و سلفیه»، نشریه پژوهش دینی دوره پانزدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۴۵ ق.

9. جزیری، سید علی‌الله، عواد المرجعی فی تفسیر القرآن، قم، نور و حی، ۱۳۸۸ ق.

10. جلیلی، سیدهاید، و آبه غمگی، تفسیر مقدس/ عظیمی: فرآینان، قمر و نور، دبیرخانه تفسیر و تحقیق، تهران، ۱۳۶۰ ق.

11. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیری شریعتی، تهران، میقات، ۱۳۶۲ ق.

12. حسینی شیرازی، سیدمحمد، مقدمات عقل/‌اسلام، و.ق.، رشید، ۱۳۴۸ ق.

13. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، اوردوخانه در تفسیر قران، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب‌نگاری قلبی، ۱۴۰۴ ق.

14. حقی، دومانی، اسماعیل بن مصطفی، روح الیزان فی تفسیر القرآن، برودت، دار نشر عربی، ۱۳۴۲ ق.

15. نازنین، علی‌الدین علی بن محمد بن ابی‌عیباده‌به‌دای، تفسیر/الخانمіسی لیسباگه تلفیلی در معانی التنزیل، تحقیق علی‌محمد بهرامی، برودت، در کتاب‌نگاری عربی، ۱۳۴۱ ق.

16. رضایی، غلامرضا، «مشروطدار دعا تزیه اولیاء الهی»، تنشریه کلام/اسلامی، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۴۴ ق.

17. زمان‌یاری، جلال‌الدین محمد بن عمر، عنا حکاف عون حکافه عواد المرجعی و میمون الافاواتی، فی دعوی التنزیل، تحقیق صحت مصطفی حسن احمد، چاپ سوم، برودت، در کتاب‌نگاری عربی، ۱۴۰۷ ق.

18. ستیزی، جعفر، (آیا تا بر روی قرآن چه ایست؟)، تدریسی، جعفر ستیزی، بنیان، ۱۳۴۵ ق.

19. میر ابی‌طالب بن ابی‌عیباده‌به‌دای، فی نظائر القرآن، چاپ هفتم، برودت، در کتاب‌نگاری عربی، ۱۳۴۲ ق.

20. میرزا حسین (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کتاب مرکزی کتاب‌نگاری عربی، ۱۳۴۵ ق.

21. سیویلی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابن‌کیا، دیدگاه‌سوزی در تفسیر، تحقیق شیخ محمد، کتابخانه آیین‌نامه، ۱۳۴۳ ق.

22. سید علی‌الله، محمد امین بن محمد، مختار الجامعی، اسئله الیزان فی ائنیای القرآن بالقرآن، برودت، دار الفکر/المطبوعه و النشر، ۱۳۴۵ ق.
Archive of SID

33. شوکاتی، محمد بن علی بن محمد صغانی، فتح التدریجیالجامع بین فتیة الروایة والدرایة من علم التفسیر، دمشق بروت، دار ابن کیث - دار الكلیم الطبیعی، 1412 ق.

34. صبیح خسرو جناب، محمد، فتح البیان فی مضافیت القارئ، بروت، الدکیة العصریة للطباعة والنشر، 1412 ق.

35. طبیبی‌الدین، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جاب پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1376 ق.

36. طبری، فضل بن حسن، تفسیر امجیدالبابان، تهران، فرهنگی، یتیم.

37. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل آیات القارئ، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن الترکی، قاهره، دار هجر للطباعة والنشر والنشر والنشر والنشر، 1422 ق.

38. طالب، سیدعلیالحسن، طبیب البیان فی تفسیر القرآن، جاب دوم، تهران، اسلام، 1378 ش.

39. علماً علی، ابومحمد جمال الدین حسن بن يوسف بن مطلب اسدي، کشف البیان فی قضاای اسرارالمنینقابل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411 ق.

40. علی، رضوی، «بررسی مفاهیم مکان نماز در کتاب مصورین»، پژوهش هم جمعی و زیر جمعی، دوره اول، شماره ۳، ۲، و زمان ۱۳۹۵ ش.

41. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر تمیمی بکری شافعی، التفسیر الکبیر، مفاهیم البیان، جاب سوم، بروت، دار احوال الیثار العربی، ۱۳۹۰ ق.

42. قرمانیان، مهدی، و محمدباقر، «زایرین و دلایل عالیمان شیعه بر مشاریعی آن»، تشریح شیعه علمی، دوره پانزدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۲ ش.

43. فیض کاشانی، محمدرضا بن شاهروشی، تفسیرالصافی، تحقیق حسن علی‌محمدی، جاب دوم، تهران، مکتبة القدر، ۱۴۱۵ ق.

44. قامی، محمد جمال الدین، تفسیرالقاضیی، المجلی محسین التاویل، تحقیق محمد باسیل عیون السود، بروت، دار کتاب الکلیم، ۱۴۱۸ ق.

45. قربان بتایی، سیدعلی اکبر، تفسیرالحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۵ ش.

46. قربان، ملاعلی الله بن شکرالله، تفسیر ماهیت الیثارین فی نظام المختالفین، تهران، الإسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

47. مجلسی، محمدرضا بن محمود نقی، بحثالانوار فی احادیث لدراخیاران علمای اطهاری، بروت، مؤسسه الطبیع و البیان، ۱۴۱۰ ق.

48. سیفی، محمد جواد، تفسیرالمینی، قم، بنیاد بعثت، بیت‌الله.

49. مکارم شیرازی، ناصر، الشیعه البیانیه و زیدیه، ترجمه محمد محمد الجزیری، قم، مدرسین امام علی بن موسی الکاظم، ۱۴۲۸ ق.

50. مکارم شیرازی، ناصر، الشیعه البیانیه و زیدیه، ترجمه محمد محمد الجزیری، قم، مدرسین امام علی بن موسی الکاظم، ۱۴۲۸ ق.

51. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلی، تفسیرالمنین، تهران، دار کتاب الإسلامیه، ۱۳۸۶ ش.

52. مناوی، زین الدین محمد عبد الرزاق، نیسیغ التفسیر شرح الجامع الصغری، مصر، المکتبة التجربیة الکبیریه، ۱۳۵۵ ق.

53. وحد بهبهانی، محمدباقر بن محمدکمال، حاشیه/الغول، قم، مؤسسه العلمینة المجددانة الحدیثیة البیهبنیه، ۱۴۲۶ ق.

54. همدانی، افراز، افتاده‌ای محمد، مصالح البیانیه، قم، مؤسسه الجغرافیة لاحیات البیانات و مؤسسه البیانیه الإسلامیه، ۱۴۱۶ ق.

www.SID.ir
موجز المقالات

دراسة حول مفهوم الانفعالات في آيات القرآن الكريم وعلاقته بالنمو

جمال علم الهدى (أستاذة مشاركة بجامعة الشهيد بهشتی)
فاطمة هدایی (طالبة المستوى الثاني في حوزة فقهية علمية بهشتی)
عاتكة قاسم زادة (دكتوراه في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي بجامعة مازندران)

الهدف من هذه المقالة معرفة مفهوم الانفعال وعلاقته بالنمو، وتقديم نموذج مفاهيمي لمسار العاطفة وفق آيات القرآن الكريم وتفسيّر الميزان ومبادئ الحكمة العالية.

منهج هذا البحث هو تحليل المحتوى. أظهرت النتائج أنّ قلب الإنسان هو مكان للعاطفة. وقساوة القلب يمكن أن تكون مؤثرًا في عدم تلقى المشاعر وفهم معاني الحق.

كذلك فإن بعض المشاعر ترتبط بمقام الإدراك، وبعضها الآخر بمقام التعبير والعمل. بعض أنواع الانفعالات هي نفسها بين البالغين وغيرهم، بينما بعض الانفعالات خاصة بجموعة معينة من الناس. بموجب الآيات والتفاسير فإن شدة الانفعال بحسب نوع الانفعال في بعض الحالات، هي علامة على النضج. كما أن العواطف هي أحد عوامل الحفاظ على النفس. وفي التعاليم الإسلامية يرتبط الحفاظ على الذات بالحياة الدنيوية والأخروية. يبدو أنّه في مجال التعبير عن الانفعالات والتحكم بها، بالإضافة إلى الحالات
الوعية واللاواعية يمكن تصور حالة ثالثة، وهي أن الله يدفع على الشخص العاطفة أو يتحكم بها عن طريق وصول الشخص إلى منزلة الإيمان والقوى وأمثال ذلك. وعلى العكس من ذلك فإن بعض الانفعالات السلبية تدخل على الكفار والمشاركين، وهي في الحقيقة نتيجة كفرهم وشركهم.

الكلمات الأساسية: الانفعال، التحكم بالانفعال، ظهور الانفعال، انفعالات النفس، العواطف.

دراسة تحليلية مقارنة للقيادة

وشروطها في تفسيرين "المنير" ومن ناحية القرآن

- ناصر معرف (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الراضوية للعلوم الإسلامية)
- محمد ميرزایی (آستاذ مساعد بجامعة الراضوية للعلوم الإسلامية)
- حسن خرقانی (آستاذ مشارك بجامعة الراضوية للعلوم الإسلامية)

قيادة مسؤولة هدایة المجتمع، تضع الخطط وترشّح برامج الدين وتسير المتقدمات الخاصة. إنها أصل ضروري لرفاه المجتمع. وإذا كان المجتمع مجتمعًا إسلاميًا، وبرامجه العميقة وفقًا للقرآن الكريم وسنة رسول الله، كان لا بد أن تتمتع القيادة بشروط وخصائص تختلف عن سائر القيادات الأخرى؛ لجواب تفتيذ الأوامر الصادرة عنها على كل مكلف. وكل واحدة من الفرق والمذاهب الإسلامية قدمت تعريفًا خاصًا وشروطًا مختلفة عن بعضها الآخر لمسألة قيادة المجتمع رغم اعتمادها بشكل خاص على الوعي. وقد كان هذا الموضوع محسّنًا لل كثير من البحث والمناقشة والمجادلة بعد عصر الرسلة. وقد شكلت آيات القرآن الكريم باعتبارها فلرسال الرسالة الأول لنظرة المسلمين لموضوع الإمامة والقيادة ومنطلقهم الأساسي في تفسير ذلك. تبع هذه المقالة مجهّة توصيفًا تطبيقًا لرصد شروط القيادة الأساسيّة عند مفسّرين بارزين في العالم الشيعي والسني هما: العلامة محمد حسين فضل الله، ووهة الزهري; إذ مبينهما السياسي والفقهي متغايرًا. وشروط القيادة متفاوتة على رؤية كل مفسّر. ونتيجة هذه الدراسة التوصيفية بين المفسّرين، فأخذهم يشير إلى واقع الشريعة لا إلى شرعية الواقع.

الكلمات الأساسية: القائد، الإمامة: التفسير المبسط، التفسير التقليدي، التفسير المنير، من وحي القرآن.
نظرية قرآنية لمفهوم "الأمن الاقتصادي" ورسم نظام معرفة الأضرار وتوفيره

مراجع:

1. أبو داود حسين (طالب الدكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الورشية للعلوم الإسلامية)
2. جواد إيراني (أستاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث بالجامعة الورشية للعلوم الإسلامية)
3. مرتضى كاككاني (أستاذ مساعد في قسم الاقتصاد بالجامعة الورشية للعلوم الإسلامية)

الأمن الاقتصادي من القضايا الهامة والاهتمامات اليومية لأفراد المجتمع، ولا يخفى على أحد دوره الفعال في المجتمع. لكن بسبب الجدل الكبير حول مفهوم "الأمن الاقتصادي" فقد قدم هذا البحث إعادة التعريف للقرآن لهذا المفهوم، وبهذه الطريقة ومع دراسة استخدام كلمتي "الأمن" و"القيد" ومشتقاتها في القرآن، ومع ملاحظة أن ألفاظ القرآن هي وحى وغير محفزة، وحجبية ظواهر القرآن وكذلك الاعتقاد بالترتيب والاستخدام الحكيم لكلمات القرآن، فقد تم إلغاء نظرة جديدة على هذا المفهوم الاقتصادي الهام. يُقدم في النهاية بنية منهجية ومنهجية وجداول وفعالية للأضرار ومنهج توفير الأمان الاقتصادي مع التركيز على الله تعالى. تشير نتائج البحث أنه من منظور القرآن الكريم فإن تعريف "الأمن الاقتصادي" يتوقف على بعض التعاريف الموجودة في كتب الفقه، بل إنه يؤكد أيضًا على الشعور بالثقة بقدرته التعميق النسيجي السريutto على التدبير الحكيم للمجتمع المتوازن والهدية والمقاومة. إضافة إلى ذلك تم رسم النهج الرئيسي لتعليم الوعي لتحقيق الأمان الاقتصادي، من خلال اهتمام خاص للعوامل والسياقات في الأقسام الثلاثة، المعتقدات والثقافات والسلوكيات الوقائة لمنع الضرر.

الكلمات الأساسية: القرآن الكريم، الاقتصاد، الأمن، الأدماج الاقتصادي، الإسلام.

هيك ولناتج الاستعارة المفهومية للجنة في القرآن الكريم

مراجع:

1. أبو القاسم حسين (وزيرًا)
2. عضو الهيئة التدريسية بجامعة الأديان والمذاهب

أحد المواضيع التي كانت دائمًا في قلب المناقشات البلاغية لباحثي القرآن الاستعارة وكيفية تأثيرها على لغة القرآن. مع ظهور العلوم المعرفية وإدخال نظريَّة الاستعارة المفاهيمية من قبل جورج لا كوف، فقد تطورت هذه الدراسات وتم تقديم طرق لفهم
النصوص بشكل أفضل في ضوء هذه النظرية. الهدف من هذه الدراسة التي تم إجراؤها
بمنهج وصفي - تحليلي ومع التحليل النوعي، دراسة أدلّة الاستعارات المفاهيمية في القرآن
ونتائجها في بناء مفهوم لمطابق هذا الكتاب السماوي. لهذا السبب تم اختيار مفهوم
الجنة كدراسة حالة تمّ تتم دراسة استعاراتها المفاهيمية في نطاق الآيات المتعلقة بالجنة
وفي النهاية تم تقديم هيكل لها. كما تم تقديم أدلة على هذا النوع من الاستعارة في
روايات الأئمة المعصومين (ع). مع التأمل في الهيكل المذكور يتم تحديد ما هي
الحالات التي يمكن تصوّرها للجنة وكيف تتجّدد في تجارب اليومية للحياة.
الكلمات الأساسية: الاستعارة المفاهيمية. الجنة. القرآن. جورج لاوك. التاريخ.

نقد وتحليل الآراء في آية "لتكون الطاقة عن طبيعة"

وفهمها على أسس نظرية تعدد المعاني

لا بلال عليخان (طلابية دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة ميد)

أحمد زارع زارع (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميد)

محمد حسن برومند (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)

أمير جوادوئ (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)

تتمّ الآية التاسعة عشر من سورة الأنتقاق التي قدّم المعترضون في تفسيرها العديد
من الآراء، وسّموها أحيانًا بالجملة. بأنّ لها معانٌ عديدة. المقصود من تعدد المعاني في
الآية ليس بمعنى الغموض في المعنى الذي يحدث في كلام المتحدث دون قصد؛ بل
بدلًا على قدرة الله وحكمه في اختيار الكلمات والترابط التي تعبّر في الوقت نفسه
عن عدة معان كما أنّ مقصودها هو جميع المعاني أيضًا. تقوم هذه المقالة التي كتبّ
منهج نقدّ تحليلي بشرح آراء المفسّرين أولًا، وبعد دراسة موجزة للآراء تقوم بالتطّرّق
لدراسة فرضيّة تعدد المعاني في الآية. السياقات والأمور التي تؤثّر على حدوث هذه
المسألة في الآية الفيد البحث هي: تعدد المعاني في تشكّل وكلمات الآية. تعدد
القراءات، التركيب النحوّي للجملة والسباق اللغويّ للسورة أو سياق الكلام. وجوه
المعاني التي يمكن حصرها للآية هي: 1- اتباع السلف ووقفة السنّ الإلهيّة بين مخاطبٍ
القرآن. 2- تحوّل الأجيال. 3- دخول صحراء الحبش. 4- الدخول بين الأمم السابقة في

www.SID.ir
الجيم، 5. صعود الإنسان إلى السماء، 6. مراجع النبي محمدٍ ﷺ بالنظرة إلى عدم وجود تعارض بين المعاني المذكورة فيما بينها، مع مجمل النصوص والعلوم الدينية المسلمة.

يمكن قبولها جميعًا على أنها معان متعددة لآية وهي المقصود المحتمل لله تعالى.

الكلمات الأساسية: تفسير القرآن، سورة الإنسان، "التوكين طبقًا على طبق"، تعداد المعاني.

مقدمة لبعض أهم طرق البحث القرآني للمستشرقين

(مع التأكيد على الولايات المتحدة الأمريكية)

سيد حسين علوئي (طالب دكتوراه في فرع القرآن والمستشرقين بجامعة المصرفية العالمية)
محمد جواد إسکندرلو (أستاذ مشارك بجامعة المصرفية العالمية)
محمد حسن زمانی (أستاذ مساعد بجامعة المصرفية العالمية)

تعتبر دراسة الأساليب التي يستخدمها باحثو القرآن غير المسلمين أو من يسعون بمستشرق القرآن، من أحدث المواضيع التي تهم الدراسات القرآنية. تتم المحاولة في هذا البحث اكتشاف وشرح وتحليل بعض أهم طرق البحث القرآني للمستشرقين بطريقة موجزة. إن الأساليب البحث القرآني للمستشرقين ضمن تأثرها بالنصوص الفكرية والعلمية الرائجة في الغرب ونتقد الكتاب المقدس، فهي متنوعة للغاية وأهمها منهج النقد النصي، منهج النقد الأدبي، وهما من الأساليب الفرعية للنقد التاريخي ومعاهد العلم، ومنهج نقد علم الظواهر ومنهج النقد المقارن الذي يتناوله هذا البحث. وكانت النتيجة أن هذه الأساليب غالبًا ما كان لها نظرية عهد للقرآن الكريم، دون الاهتمام بالاختلافات الجوهرية وسياقات القرآن مع نصوص العهد المحرفة. وقد اعتبروا القرآن بمثابة نص بشرى، وفرضوا عليه طرقًا متعارضة مع النظرة اليهودية للعالم والخاصة بالنصوص البشرية.

الكلمات الأساسية: القرآن، منهج النقد التاريخي، منهج علم الظواهر، منهج المقارنة. طرق البحث القرآني للمستشرقين.

دراسة مقارنة ل"إسماع وسماع الموتي" في تفسير الفريقين

سيد ضياء الدين عليا نسب (أستاذ مشارك في قسم القرآن والحديث بجامعة حضرة حضرت مصومة ﷺ بقم)
تم دراسة آیات القرآن الكريم التي تدل على عدم إجماع الأئمة من وجهة نظر المفسرين الشيعة وأهل السنة لتحديد وجهة النظر الصحيحة في هذا السياق. منذ بداية الإسلام حتی الآن، وجرت محاولة لتوضيح منذ متى دخلت الآراء المنحرفة إلى عقائد المسلمين. وقد خلقت هذه الدراسة استخدام مهنة المكتبة ودراسة الآيات القرآنية التي استدلالها منكر قدرة المومي على السماوات والفسيرات الشريعة والنسبيّة إلى أن كل من القرآن الكريم والسّع لعب دوره في الحسّي. بل بمعنى السمع والمومي. وهذا الآيات تشير إلى عدم فهم وإدراك الآيات لمن مات قبلهم. وكانت نتيجة البحث أن حتی القرن السابع الميلادی لم يزعم آی مفسر عدم معرفة السبب، بعد ذلك تنكرت هذه الفكرة إلى المواضع الإسلامية خاصة بعد ترويج أفكار ابن تيمیة وانتشارها. فهى ليست عقيدة إسلامیة أصیلة، وعلى فرض وجود هذه الدلالة في الآیة فإن صيغة «لا تسمع» لا تدل على عدم سماوات المومي، بل إنها مستدلا على عدم قدرة منادي المومي على إسهامهم، وليس هناك مالزامة بين عدم قدرة على إسهام المومي أو سماعهم.

الكلمات الأساسية: المومي، السماوات، إجماع الأئمة، ابن تيمیة.

تحليل مقترب إشادة «البناء» و«المسجد» على أصحاب الكهف من منظور الفريقين (وعلاقة ذلك بموضوع بناء قبور الصالحين ووضوع الزیارة)

زهرة أخوان مقدّم (أستاذة مشاركة بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)

مجمع زیدیج جوکی (دکترای فی علوم القرآن والحديث)

في العصر الحديث تجري الأبحاث المقارنة بين المذاهب بشكل رئيسي في المجال الشیعی بهدف دراسة آراء الفريقين وتقديم تقييمها. في هذا السياق يتناول هذا البحث دراسة الآیة الحادیة والعشرين من سورة الكهف التي اختلفت حول آراء مفسرین الفريقين، وكذلك الروايات التفسیریة لأهل البيت(P) والصحابة والتابعين. وبهذه
الطريقة تمّ عرض أقوال المفسرين الصحابة والتابعين من جهة، وروايات أهل البيت من جهة ثانية. ثمّ ومع تطبيق آراء المفسرين الشيعة والسنة تمّ تقييم آرائهم. من خلال هذه الدراسة المقارنة تبين أنّ اقتراح بناء مسجد لأصحاب الكفوف لم يكن من قبل المشركون والزنادقة، بل من قبل الموحدين. من الأدلة التي استخدمت لتأكيد هذه النظرية يمكن الإشارة إلى سياق الآية والمحور الرئيس للسورة وسيقاقها والآيات الأخرى التي تشمل على «البناء»، وكذلك سكوت القرآن على هذا الاقتراح. من جهة أخرى تمت الإجابة على الشهادات التي أوردها أهل السنة على هذه النظرية.

الكلمات الأساسية: سورة الكفوف، المسجد، السياق، الوحي، حوار القسم، الدراسة المقارنة.

 نطاق حجّة العقل المصدر في تفسير القرآن

مع التأكيد على تفسير مناهج البيان

محمد هادئ قهارى كرمان

استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية بكلية القانون والإITHUBات بجامعة الشهيد باهنر كرمان

هناك خلاف في الرأي بين المدافعين عن التفسير الاجتهادى حول نطاق ودائرة حجّة العقل في تفسير القرآن. بما في ذلك الاختلاف الموجود بين المفسرين التابعين لمدرسة الفقه والمعارضين لهم في هذا الصدد. تتعلق مدرسة الفصل على النظام المعرفي الذي يصر على فصل القرآن والبرهان والعرفان (العقل والعقل والكشف)، ويعتقد أنّ هذه الثلاثة هي طرق ومصادر للمعرفة ولا علاقة لمجراتها ببعضها البعض على الإطلاق، ولا ينبغي الاستفادة من بيانات كل مصدر من مصادر المعرفة هذه لفهم وتفسير معطيات المصدر الآخر. فهما في هذه المقالة بشرح وجهات نظر آية الله ملكي ميانجعي في تفسير مناهج البيان اعتبار واحد من المدافعين عن مدرسة الفصل في خصوص نطاق حجّة العقل المصدر في تفسير الوحي. في البداية تم توضيح المقاصد من العقل وأنوانه (العقل المصدر والعقل المصدر)، وبناءً على ذلك تم تفسير الاجتهادى للقرآن إلى ثلاثة أنوان العقل بالنقلي والكفيني، ونظرًا إلى أن العقل المصدر والكشف والشهود خارج عن عنوان المقالة تخصصًا، لذلك واصفنا البحث حول نطاق العقل

www.SID.ir
دراسة نقدیّة لرأی آیة الله معرفة حول التفسیر العرفانی

 رسول مزمنی

 خریج المستوى الراіع فی الحوزة العلمیة

 قدم علماء علوم القرآن آراء مختلفة فی باب التفسیر العرفانی. فی من هؤلاء العلماء
محمد هادی معرفة. بحسب رأیه فی أن تفسیرات آیة الله معرفة هو الذوق الشخصی,
وتفاسیرهم من مقولة التفسیر بالرأی. كما أن المقصود من كلمة بطن الورد فی الروایات
هو الدلالة الائزامیّة غير البیّنة للكلام، وكذلك التفسیر العرفانی من باب تداعی المعانی.
فی المقال الذي بین أیدينا وبدع جمع المعیطات بطریقة المکتبة. تم تقییم رأیه هذا حول
التأویل والتفسیر العرفانی بمنهج تحلیلی، وقد خلص المقال إلى النتیجة التالیة: اولًا قسم
من تفسیرات العرفان هو شرح للمعانی الباطنیة للقرآن، وقد استفادوا فی تفسیر الآیات
وتأویلها فی الطرق المتداولة لفهم النص. ثانویًا تأویل القرآن ليس دائمًا من باب الدلالا
الائزامیّة غير البیّنة. لكنه غالبًا ما يكون بمعنى بطن کلام الیوحي وأحیانًا الجری
والتطبيق. ثالثًا: التفسیر العرفانی ليست من باب تداعی المعانی، بل هي إشارات ولطائف
تدخل قلوب أهل المعنی بعد والیا الباطنیة للقرآن، وتتعتبر فهمًا جدیدًا، وفی أغلب
الحالات لا توجد خلقیات ذهنيّة حولها حتى تعود من باب تداعی المعانی.

الكلمات الأساسيّة: التفسیر العرفانی، مهندد هادی معرفة، التفسیر بالرأی، التأویل،
الدلالة الائزامیّة غير البیّنة. تداعی المعنی.
تحقیق می‌کند من صحت نظریه الإجماع النفیس للقرآن
مع التأکید علی آراء أمین الخولی

سید محمود طبیب حسینی (استاد مشارک بحوث الحوزة والجامعه)
سید ابراهیم مرتضوی (دکتراره فی علوم القرآن والدید)

"إجماع القرآن" من المواضیع التي تکونها أساتید علوم القرآن، ومن النظیرات التي
طرحها في هذا الصدد نظریة "الإجماع النفیس". الدراسة الحالية هی نوع من البحوث
المکتیبه التي تتابع الإجماع النفیس للقرآن بمهمیة وصفی تحلیلی من منظور الأدب
المصری "أمن الخولی". من منظور الخلیلی فإن الإجماع النفیس يعتبر واحداً من وجوه
الإجماع الأدیب - البایان للقرآن، والمقصود منه أن القرآن ویقصد تربیة الإنسان وإصلاح
المجتمع قد أخذ بعض الاعتبار في دعوته الروایا الخفیة للنفس البشریة، وعمره القرآن
العمیقة لنک الزوايا - وهذا ما تؤکده التصريحات العلمیة المعاصرة عن نفسيه الإنسان دبل
على أنواعیة القرآن وإعجازاته. ومع ذلك، فإن نظریة الخلیلی تواجه عدد من الإشكالات
العجیب؛ ولها أن المقدمات التي وضعها لنظریته تتعارض مع بعضها البعض في بعض
الجوآب والمکونات؛ ثانياً أن أسس رأیه تتعارض مع بعض ضروریات الدین؛ ثالثاً أنه لم
یشرح بعض المفاهیم الأساسيه لنظریته، ورابعاً الأدلة على نظریته غير کاملة من حيث
الکم والنوع.

الكلمات الأساسيه: القرآن، الإجماع النفیس، الإجماع الأدیب، أمین الخولی.
يمكن أن يكون مفيدًا في فهم طبيعة هذا المنهج. كما يمكن أن يكون متوفرًا في معرفة مكانه هذا المنهج ودوره وتأثيره. على الرغم من أهميَّة التطور إلى هذا الموضوع والمكانة الهامَّة لهذا المنهج في مجال التفسير، وخاصة التفسير المعاصر، إلا أن هذه المسألة لم يتم النظر فيها ولا حتى معالجتها إلى الآن. من هذا المنطلق تمَّ السعي في هذه المقالة ومن خلال البحث في التفسير الترتيبية المعاصرة، الإجابة على هذا السؤال: ما هي خصائص التفسير المعاصر في التفسير الترتيبية المعاصرة؟ بحسب نتائج البحث الذي تمَّ إجراه باستخدام منهج تحليل المحتوى النوعي ودراسة المصادر التفسيريَّة المعاصرة، فإن التفسير المعاصر هو نهج يحاول فيه المفسر تفسير القرآن بما يتناسب مع احتياجات وشروط ومتطلبات عصره. ومن هنا وفيا الفترة المعاصرة تسبَّبت الدوافع والعلوم وتخصُصات المفسرين، ومتطلبات العصر واحتياجات، والتغييرات الاجتماعيَّة والسياسيَّة والثقافيَّة والقضايا والمناقشات الفكرَّيَّة في هذه الفترة، إلى ظهور طابع خاص من التفسير العصري في التفسير الترتيبية. حيث يتمَّع بميزات وخصائص مثل: التأكيد على وحدة موضوع الآيات لكل السورة، تنظيم الآيات، تطوير مصادر الآيات، الإجابة على القضايا والشهادات حديثة الظهور والاهتمام بإقناع الجمهور.

الكلمات الأساسية: التفسير العصري، الحداثة، التفسير الترتيبي، التفسير المعاصرة.